

فزاینده‌گی توطئه‌های امپریالیست‌ها

هم‌میهنان،

هجوم وحشیانه‌ی دولت نژادگرایی بعث عراق به ایران انقلابی یازدهمین ماه خود را پشت سر گذارد؛ ولی، با همه‌ی ایستادگی و کوشش مردم و همه‌ی قهرمانی‌های ارتش و دیگر نیروهای رزمنده، هنوز دشمن ددمنش بخشی از میهن بزرگ ما را در اشغال دارد و هر روز گروه تازه‌ای را به کام مرگ می‌افکند و شهرها و روستاهای غربی و جنوبی را به ویرانی بیشتر می‌کشاند.

حزب ملت ایران پیش از شروع این تجاوز با شناختی که از ماهیت دولت استعمارساخته‌ی عراق و پیوند شوم آن با امپریالیست‌ها و صهیونیسم جهانی و کمک‌رسانی به نیروهای ضد انقلاب داشت به روشنگری‌های پی‌درپی پرداخت و حتی جابه‌جایی یگان‌های ارتش دشمن را به آگاهی کاربه‌دستان رساند و، با در نظر گرفتن همه‌ی شرایط درونی و بیرونی کشور، ضرورت آمادگی هر چه زیاده‌تر را برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب گوشزد کرد. در نخستین روز این «نبرد میهنی»، در اعلامیه‌ای به تاریخ دوشنبه سی‌ویکم شهریورماه ۱۳۵۹، یادآور شد:

«هم‌اکنون، تاریخ بار دیگر ملت ایران را در بوته‌ی آزمایش قرار داده است. ملتی که با قوی‌ترین کشورهای جهان، امپریالیسم آمریکا، می‌رزمند باید سر از نو یگانگی خود را نشان دهد؛ بسیج باید بسیج همگانی باشد؛ همه باید در صف‌های پیکار دست‌درست یکدیگر گذارند؛ همه‌ی ارتشیان و نیروهای ذخیره، که کارآزموده و وفادار به انقلاب هستند باید به این نبرد سرنوشت‌ساز فراخوانده شوند؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همه‌ی نهادهای انقلابی همانند حماسه‌آفرین میدان‌های نبرد باشند؛ تمام ایل‌های میهن‌دوست، که پیکارگران تاریخی ایران‌زمین بوده‌اند، با صحنه‌ی نبرد پیوند یابند؛ همه‌ی حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی وابستگان خود را بسیج کنند تا در این معرکه‌ی هستی، در این نبرد بودن یا نبودن شرکت جویند.»

به‌راستی نیز، در آغاز کار، زیر فشار خواست همگانی، می‌رفت تا همه‌ی نیروهای نهفته‌ی ملت بسیج و به جبهه‌های جنگ گسیل گردند؛ و ارتش، با همه‌ی آسیب‌های روحی و مادی، که به دست دغلبازان انقلابی‌نما خورده بود، خیلی زود توانست به یاری دیگر رزم‌آوران از پیشرو لشکریان دشمن جلوگیری و توطئه‌ی امپریالیست‌ها را برای

درهم‌شکستن جمهوری نوپا و شاید بلعیدن گوشه‌هایی از ایران خنثی کند؛ ولی پیش‌رانندگان

دوران‌پس‌از‌پیروزی‌انقلاب، که از مدت‌ها قبل برای انحصار قدرت به جان هم افتاده بودند و به سرنوشت کشور اعتنای چندانی نداشتند، خیلی زود «جنگ را به بازی الفاظ» کشاندند و از آن به‌گونه‌ی «تنخواه‌گردان سیاسی» برای هدف‌های شخصی به بهره‌وری پرداختند. هر روز، فردی یا دسته‌ای از انحصارگران برکرسی قدرت‌نشسته، که با یکدیگر نیز در هم‌چشمی و کشمکش بودند، در هیئت‌های خنده‌آور به ستادهای فرماندهی و نزدیکی جبهه‌های جنگ رفتند و، با آوازه‌گری‌های گوناگون، خود را کارشناسان برجسته و قهرمانان نبرد «حق علیه باطل» جلوه دادند. در رهگذر این ترفند حکومتگران ناآگاه و ناتوان، جنگ به درازا می‌کشید و دشمن برانگیخته‌شده‌از سوی امپریالیست‌ها با همه‌ی درماندگی هر روز‌گزندی تازه بر ایرانیان می‌رساند.

در همان هنگام، حزب ملت ایران بارها نسبت به پیامدهای خطرناک شیوه‌ای که زمامداران کشور در پیش گرفته

بودند هشدار داد و پی‌درپی در روزنامه‌ی ارگان خود نوشت:

«نبرد کنونی فرصت آن را نمی‌دهد که کاربه‌دستان به آموختن دانش‌های جنگ و یافتن تخصص بپردازند و جایگاه‌های فرماندهی را در اختیار بگیرند.» (۱۳۵۹/۷/۲۹)

«در گیرودار معرکه‌ی سرنوشت، دست‌اندرکاران در اندیشه‌ی استوار کردن پایه‌های قدرت شخصی خود بوده‌اند؛ و در این راه، تا آنجا پیش رفته‌اند که از عرضه داشتن افتخارها بر فداکاران جبهه‌های جنگ دریغ کرده‌اند و افتخار را هم در ساحت فرقه‌گرایی خویش جای داده‌اند. ناشایستگی دست‌اندرکاران حکومت و رقابت‌های زیان‌بخش آنان کار را بدان جا رسانیده است که، برای انحصار داشتن افتخارها، سامان یافتن جبهه‌ها را خوش نمی‌دارند.» (۱۳۵۹/۸/۱۲)

«کاربه‌دستان نباید جنگ را ابزار آوازه‌گری خویش سازند. ایشان هم باید همچون مردم به‌خون‌غلطیده‌ی ایران هم‌هستی خود را وقف پیروزی بر دشمن کنند و جز آن هیچ نجویند و هیچ نخواهند. زمان زمانه‌ی رنجیدن و رقیب از میدان به‌درکردن و تیر ناسزا باریدن نیست.» (۱۳۵۹/۹/۲)

با افسوس بسیار، هرچه زمان می‌گذشت، برخوردهای درونی گسترده‌تر می‌شد و جنگی که بر همه‌ی هستی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و حتی فرهنگی ایران سایه‌افکنده و همه‌ی نیرو و فرصت سازمان‌دهی و بازسازی کشور را به خود گرفته بود یک رویداد فرعی و جزو کارهای عادی زندگی ملی تلقی می‌گردید. دست‌اندرکاران دولت در سرگرم بودن به افزایش قدرت شخصی با ندانم‌کاری و شاید از روی غرض‌های سیاسی در دام دشمن، که حمله‌ی غافلگیرانه‌اش با شکست روبه‌رو شده بود، افتادند و جنگ را به صورت فرسایشی درآوردند. با اوج‌گیری کشمکش‌های جناح‌های هیئت حاکمه، که دستاوردهای انقلاب به‌سختی به خطر افتاده بود، حزب ملت ایران بار دیگر بر سرنوشت‌ساز بودن «نبرد میهنی» تکیه کرد و در روزنامه‌ی ارگان خود نوشت:

«باید در همه جای ایران‌زمین حالت جنگی پدید آورد و باید همه‌ی مایه و همه‌ی توان ملی را به آرایش جنگ درآورد. اکنون در پشت جبهه چنان وضعی پدید آمده که با شرایط جنگی تناسب ندارد. ای دریغ که در فضای سیاسی کشور شکاف پدید آورده‌اند و مردم را، که باید دست‌درست هم در جبهه و در پشت جبهه کارساز جنگ با بیگانه باشند با یکدیگر به درگیری واداشته‌اند تا تیغ به روی هم کشند.»

سرانجام، با عملکردهای نابهنجار انحصارگران تشنه‌ی قدرت، هم‌بستگی ملی، که پدیدآورنده‌ی انقلابی چنان شکوهمند بود، درهم‌شکست و کشور در چنبری از شیوه‌های خشونت‌آمیز فروافتاد. در چنین هنگامه‌ای، که انقلاب به بیراهه کشانده شده و واپس‌گرایی بر تاروپود نظام حاکم تنیده و آزادی‌های فردی و اجتماعی به‌کلی پای‌مال گردیده است، بر دامنه‌ی توطئه‌های امپریالیست‌های جهان‌خوار، این دشمنان اصلی ملت ایران، با سرعت افزوده می‌گردد. از یک سو، وابستگان به نظام سلطنتی زیرسلطه‌ی استعمار، که با پیروزی انقلاب به آغوش اربابان بیگانه پناه برده بودند، به سازمان‌دهی نیروهای پراکنده‌ی خویش پرداخته و نقشه‌ی خام بازگشت به ایران را در سر می‌پروراندند و، از سوی دیگر، دولت نژادگرایی بعث عراق با همه‌ی بن‌بست‌هایی که دارد به تلاش‌های خود افزوده است و سردمداران آن یاهوسرایی پیرامون چندتکه‌کردن ایران را از سر گرفته‌اند.

پافشاری حزب ملت ایران از ماه‌ها قبل در به‌کارگرفتن همه‌ی نیروهای مردم برای چیرگی هر چه زودتر بر دشمن تجاوزگر از بیم چنین پیامدهای شومی بود که فرسایشی شدن و به درازا کشیدن جنگ می‌توانست داشته باشد. به هر روی، اکنون، کاربه‌دستان خودکامه کشور را به ورطه‌ی هولناکی غلتانده‌اند و، با همه‌ی استواری‌ای که

رزمندگان در جبهه‌های «نبرد میهنی» از خود نشان می‌دهند، دورنمای وحشتناکی در افق زندگی ایرانیان به چشم می‌خورد. بر نویدهای زمامداران کنونی، که در همهی کجروی‌های دو سال و نیمه‌ی بعد از پیروزی انقلاب سهم بسزایی داشته‌اند، نمی‌توان اعتماد کرد و چه‌بسا بخواهند از جنگ به گونه‌ی وسیله‌ای برای سیاست‌بازی سود جویند؛ و به‌ناچار باید در راستای تاراندن ارتش مزدور عراق امید به نهادی بست که کاربرد اساسی آن دفاع از استقلال ملی است. ارتش در پرتو انقلاب به ساحت آرمان‌خواهانه‌ای که با ایرانیگری و اسلام‌پاوری درآمیخته رسیده و دارای سامانی پالاینده شده و از پشتیبانی بی‌دریغ مردم نیز برخوردار است و اکنون باید وظیفه‌ی تاریخی خویش را در پاسداری از میهن انجام دهد. نیروهای سه‌گانه‌ی ارتش و دیگر رزمندگان بیدار دل، که از کشمکش‌های درونی کشور برکنار مانده‌اند، باید بیش از این وجود نیروهای دشمن را در خاک ایران تحمل نکنند و، در همهی جبهه‌های جنگ، از بلندی‌های کلاشین در شمال تا جزیره‌ی مینو در جنوب، به یک حمله‌ی سراسری بپردازند و نه تنها سرزمین‌های اشغالی را آزاد کنند، که دولت نژادگرای بعث عراق را نیز واژگون سازند و این کانون توطئه‌های ضد ایران انقلابی را از میان بردارند. باشد که در آینده‌ی نزدیک مردم بلاکشیده‌ی ایران به جای «هفته‌ی جنگ» به برگزاری «هفته‌ی پیروزی» برخیزند و، در پی آن، انقلاب خود را نیز از بیراهه‌ی کنونی رهایی بخشند.

درود بر روان تابناک همهی شهیدان نبرد میهنی، پیروز باد ملت.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران